

نقش مدیریت شهری در توسعه حقوق شهروندی و اثرات آن در کارآفرینی دولت

مجتبی بهروش^۱، حبیب اله پناهی پور^۲، مرتضی بهروش^۳

چکیده

شهروندی از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. در قبال وظایف تعیین شده در قانون برای مسئولین کشوری و شهری که در برگیرنده حقوق شهروندی نیز هست، متقابلاً شهروندان نیز در ارتباط با شهر و مدیریت شهری دارای وظایف و تکالیفی هستند که عمل به این وظایف و تکالیف در ارتباط دو سویه با حقوق آن‌ها در مدیریت شهری باعث ارتقاء فضیلت جامعه شهری و تأمین سعادت و ایمنی اجتماعی شهری می‌شود. به طور کلی وظایف شهروندان را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد: آشنایی با حق و حقوق خویش در جامعه شهری؛ آشنایی با وظایف و تکالیف مدیریت شهری و توانایی‌ها و محدودیت‌های مدیریت شهری در اداره شهر و هماهنگ ساختن سطح توقعات خویش با این وظایف و امکانات. پس از آشنایی با دو مقوله فوق هر شهروند باید برای احقاق حق خویش و بالطبع بهبود وضعیت جامعه شهری خود اقدام کرده و مدیریت شهری را وادار به انجام وظیفه و اعاده حق شهروندی خویش کند؛ سعی و تلاش برای مشارکت در اداره شهر؛ افزایش حس تعلق خاطر خود به محله و شهر محل سکونت خویش؛ تشویق و ترغیب همشهریان و ترغیب همشهریان خود به مشارکت در اداره امور شهر از این جمله‌اند. کارآفرینی در سالیان اخیر به عنوان راهکار مورد اقبال عمومی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مطرح گردید. شناسایی عوامل مؤثر در

۱ کارشناسی ارشد مهندسی صنایع دانشگاه قزوین، m.behraves89@gmail.com

۲ کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. دانشگاه آزاد واحد اردبیل

۳ کارشناسی ارشد مکانیک ساخت تولید، دانشگاه آزاد دزفول

گسترش و توسعه کارآفرینی، می‌تواند به مدیریت شهری در فراهم ساختن بسترهای ممکن کمک کند تا هم شهروندان و هم مدیریت شهری از این توسعه بهره ببرند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، مدیریت شهری، دولت کارآفرین، شهروند، شهرداری

مقدمه

شهروندی به‌عنوان یکی از مشتقات «شهر» ارتباط تنگاتنگی با شهرنشینی داشته و به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته‌اند. شهروندان عموماً با سلايق و انگیزه‌های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می‌پردازند. عده‌ای برای کسب‌وکار، گروهی برای پر کردن اوقات فراغت و گروهی دیگر برای تحصیل و آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و از این‌رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌باشد و این روابط اجتماعی می‌بایست تحت نظم و قاعده‌ای درآید.

دانشمندان بر مجموعه قواعدی که بر روابط اشخاص در جامعه شهری حکومت می‌کند «حقوق شهری» اطلاق کرده و بعدها به جهت ارتباط تنگاتنگ حقوق شهری یا شهرنشینی با حقوق فطری و خدادادی؛ مرزهای آن را تعمیم و در سطح یک منطقه، کشور و حتی جهان گسترش داده و «حقوق شهروندی» نامیدند.

اصلی‌ترین بحث در حیطه حقوق شهروندی، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری است. این قوانین تضمین‌کننده حقوق شهروندان در برابر دولت و حاکمیت بوده و از سوی دیگر با تبیین و تشریح تکالیف شهروندی؛ سهم هریک از شهروندان در حمایت از قدرت عالییه و حقوق دولت را مشخص می‌کند لیکن برای تعیین حقوق و امتیازات مردمی و همچنین تکالیف آنان در برابر یکدیگر و دولت می‌بایست قواعد و متون حقوق شهروندی را جستجو کرد. از موضوعات مهم در حوزه مطالعات شهری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در سطح جهانی می‌باشد. بحث رابطه حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت شهری است. چنانچه نظام «مدیریت شهری» را شامل فرایندهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی، سازمان‌دهی و نظارت بر اداره امور شهر و شهرداری بدانیم و نظام حقوق شهری را به‌مثابه روند قانونمند کردن فرایندهای چندگانه نظام مدیریت شهری و نیز

قانونمدار نمودن وظایف و تکالیف متقابل و دو سویه شهرداری به شهروند محسوب کنیم که هدف آن به سامان کردن زندگی شهری و فعالیت‌های شهرداری و شهروندان است، به خوبی اهمیت نقش و جایگاه نظام حقوق شهری در مدیریت شهری و نیز رابطه و نسبت مدیریت شهری و حقوق مشخص می‌شود. در این میان سهم و نقش شهرداری که حلقه پیوند و اتصال نظام مدیریت شهری و نظام حقوق شهری است، اهمیت خاصی دارد. اهمیت حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد. معمولاً مقامات و مسئولان شهری، با مسائل و مشکلاتی مواجه‌اند که مقابله درست و عملی با این مسائل و مشکلات محلی و شهری منوط به تدوین قوانین و مقررات برنامه‌ریزی شده است. بدیهی است فرآیند تصمیم‌گیری شهری زمانی موجب جلب منافع همگانی و مدیریت شهری خواهد شد که شهروندان بیشترین مشارکت را در تصمیم‌گیری‌ها از خود نشان دهند. از این رو قانونمند کردن این روند کمک شایانی را به مدیریت شهری و شهروندان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها می‌نماید لیکن آنچه اکنون به‌عنوان قانون شهرداری پیش روست، محتاج به روز رسانی و کارآمدی بیشتر است ولی چنانچه از رویکرد جلب مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت و مشارکت و نظارت شهری بنگریم، می‌بایست توجه خاصی به «شوراهای اسلامی شهر» داشته باشیم که در واقع نهادی است تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، ناظر و مشاور، طراح و مجری در امور شهری. اینکه شورای شهر و اعضای آنکه منتخب مردم شهر هستند چه ارتباطی با حقوق شهروندی داشته و چگونه می‌توانند پیگیر حقوق شهروندان باشند در قالب مقررات قانون، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی شهر کانالیزه و تعریف شده است ولی حقیقت امر این است که حقوق شهروندی در سطح یک شهر یا روستا، بسته به نیاز او وضعیت خاص ساکنان آن، دارای مصادیقی متنوع و تفاوت است و نیل به هر یک از آن‌ها وابسته به اقدام مناسب و به موقع متصدیان و مدیران و برنامه ریزان آن شهر یا روستاست. به‌عنوان مثال ساخت یک پل یا احداث یک خیابان و حتی یک سرویس بهداشتی عمومی می‌تواند بخش مهمی از مطالبات روزمره و حقوق شهروندانی که شهر باشد حال آنکه اقتضات در شهری دیگر، مطالبات و انتظارات دیگری را رقم بزند.

کارآفرینی نه تنها به عنوان یک نیروی محرک و سازنده اقتصادی، بلکه در بعدی گسترده تر به عنوان یک عامل پویای اجتماعی مطرح شده است. (تیمونز ۱۹۹۷) کارآفرینی علاوه بر نقشی که در گسترش فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی، کاهش بیکاری، افزایش مهارت های تولیدی و بازرگانی و نیز سودآوری اقتصادی دارد، در سطح اجتماعی نیز یک عامل متحول کننده و پویاست. گسترش شبکه اجتماعی، افزایش مهارت های شهروندان، استفاده بهینه از منابع و ... از جمله منافع است که توسعه فعالیت های کارآفرینی به جامعه می رساند. طبیعتاً مدیریت شهری به عنوان نهادی که به طور مستقیم با شهروندان و وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن ها سروکار دارد، از این مزایا منتفع خواهد شد. از سوی دیگر، درگیری شهروندان با فعالیت های کارآفرینی سبب ظرفیت سازی برای خدمت رسانی به شهر خواهد شد.

۲- میزان مشارکت شهروندان در امور شهر و توسعه کارآفرینی

در مورد نحوه و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر دو دیدگاه وجود دارد. به طور کلی اهم مطالبی را که در خصوص مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باید مورد لحاظ قرارداد عبارت اند از: تصمیماتی که سیستم شهری (مدیریت شهری) می گیرد و بر حقوق شهروندان تأثیر گذار است. با توجه به مورد فوق برای تحقق حقوق شهروندان با لحاظ نیازهای آنان، باید مردم در برنامه ها و تصمیمات متخذه برای شهر خود مشارکت داشته باشند. مشارکت یعنی مشارکت در خدمتگزاری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت در کلیه برنامه های مورد نظر برای شهر، چراکه استفاده از مشارکت مردمی برابر است با رفع یا کاهش تنگناها و معضلات مدیریت شهری. استفاده از مشارکت شهروندی باعث صرف انرژی، زمان هزینه و امکانات کمتر و انجام کارهای بیشتر در شهر می شود. مداخله شهروندان در اداره امور باعث آشنایی مستقیم آنان با مسائل شهر شده و این خود منجر به تصحیح نظر و تصور مردم از مدیریت شهری می شود. مشارکت شهروندی باعث ایجاد حس اعتماد شهروندان نسبت به مدیران می شود و متقابلاً مدیران شهری نیز باید با ایجاد رابطه مستقیم با مردم این حس را تقویت کنند. کارآفرینان نقشی کلیدی در توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی دارند و به عنوان عناصر اصلی در تسریع توسعه مناطق محروم و در حال توسعه مورد توجه اند. با توجه به اینکه کارآفرینی فرآیندی است که نقش حیاتی در تداوم، رشد و توسعه ملی و

حتی اقتصادی ایفا می‌کند، لذا لزوم ایجاد بستر و جو مناسب در جهت حمایت‌های منطقی اعم از مادی، معنوی، فرهنگی، تحقیقاتی و علمی از کارآفرینی و کارآفرینان بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در پژوهش‌های کارآفرینی انجام گرفته از سوی محقق در ادوار گذشته به این نتیجه می‌رسیم که سه رویکرد عمده تمرکز تحقیقات بر نتایج حاصل از کارآفرینی، عوامل برانگیزاننده کارآفرینی و دلیل کارآفرینی، کانون توجه تحقیقات بوده است که سرانجام پژوهش در زمینه مدیریت کارآفرینانه به خطمشی اساسی برنامه‌های دولت در زمینه اشتغال تبدیل شده است. مطالعات بسیاری از سوی کارشناسان جامعه ایرانی در زمینه چگونگی ایجاد بسترهای موردنیاز کارآفرینی برای عموم افراد جامعه انجام گرفته است. مقامات دولتی تلاش کرده‌اند علاقه به کارآفرینی را به‌عنوان کلیدی برای نیرو بخشیدن به اقتصاد شهرها استفاده کنند و خوشبختانه تا حدودی برای راه‌اندازی تولیدی‌های کوچک موفق عمل کرده‌اند. امروزه در کشورهای مختلف توجه خاصی در دانش مدیریت و اقتصاد به کارآفرینی و کارآفرینان می‌شود. تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. بر اساس بیانیه جهانی کارآفرینی، یک همبستگی قوی میان رشد اقتصاد ملی و سطح فعالیت کارآفرینی ملی و سازمانی وجود دارد.

۳- نتایج مثبت مشارکت مردمی

اصولاً مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نتایج مثبتی را به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: کاهش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به خصوص شهرداری‌هایی که با کمبود یا فقدان نیروی متخصص و منابع مالی مواجه می‌باشند چراکه جلب مشارکت مردم باعث رفع بخشی از نیاز مدیریت شهری به منابع انسانی و مالی می‌شود. صرفه‌جویی در هزینه‌ها و کاهش صرف انرژی، بدین معنی که با استفاده از مشارکت شهروندان این امکان فراهم شود که با صرف انرژی، هزینه و امکانات کمتر اقدامات بسیاری را در شهر انجام داد. مشارکت شهروندان در اداره شهر باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی و نیز افزایش حس تعلق آنان به شهر می‌شود. جلب مشارکت مردم منجر به ایجاد و یا تقویت پایه‌های جامعه مدنی می‌شود. در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه حداکثرگرا و دیدگاه حداقل‌گرا. حداکثرگرایان معتقدند که باید تمام وظایفی را که دولت در

قبال یک شهر دارد به مجموعه مدیریت شهری به خصوص شورای شهر و شهرداری تفویض شود. بر اساس این دیدگاه شورای شهر دارای این قابلیت است که وظایف دولت را در محدوده یک به عهده گیرد. برخلاف دیدگاه حداکثرگرا معتقدان به دیدگاه حداقل گرا بر این باورند که مسائل شهر به مسائلی در حد خدمات شهری محدود می‌شود و لذا میزان مشارکت مردم را نیز در همین سطح تعریف می‌کنند. در نقد این دو نظر باید گفت که یک شهر بر اساس دیدگاه حداکثرگرا نمی‌تواند حوزه اختیارات دولت در محدوده خود را به صورت کامل به عهده گیرد چراکه برخی از برنامه‌ها، اهداف و نظارت‌های در نظر گرفته شده از سوی دولت در ارتباط با کل جامعه است و حتی اگر ما از شوراها مفهوم دولت شهر را مدنظر داشته باشیم در این صورت نیز به دلایلی خلاف تجربه و واقعیات جامعه عمل کرده‌ایم چراکه اولاً به تجربه ثابت شده است که عملاً امکان تحقق چنین دولت-شهری وجود ندارد، ثانیاً هیچ شهری توان و امکانات لازم برای پذیرش مسئولیت‌های دولت در قبال یک شهر را ندارد. از سوی دیگر رویکرد حداقل گرا هم کافی نیست چراکه مسائل شهری پیوندی ناگسستنی با موضوعات فرهنگی و اجتماعی و قابلیت‌های توسعه دارد؛ بنابراین باید جدا از این دو دیدگاه چارچوب مشارکتی را که به حقوق شهروندی نزدیک باشد برای شهروندانی که در یک شهر زندگی می‌کنند تعیین و ترسیم کرد در این میان بهتر است که حوزه مشارکت شهروندان در شهر تعریف شود. در حال حاضر در ایران دستگاه‌های اجرایی بر اساس دیدگاه حداقل گرا فعالیت می‌نمایند و شوراها نیز به دیدگاه حداکثرگرا رغبت بیشتری نشان می‌دهند در صورتی که باید برای سیستم مدیریت شهری رویکردی اتخاذ شود تا برآورنده نیازهای عمده جامعه باشد. لذا در طرح‌های مدنظر برای شهر باید ضمن لحاظ نظرات شورای شهر، بین نیازهای گوناگون و بعضاً متناقض جامعه هماهنگی ایجاد شود. بر اساس چنین رویکردی برای تعریف میزان و چگونگی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باید به نقش و جایگاه شوراها به عنوان نماد اصلی مشارکت‌پذیری مردم توجه کرد و همچنین بین عملکردهای شهر از نظر نیازها و اولویت‌های آن رابطه و نیز هماهنگی خاص ایجاد کرد. بر این اساس باید به نوعی اصل کثرت در وحدت و وحدت در کثرت را در نظر گرفت؛ یعنی باید برای ایجاد تعادل در مشارکت شهروندان بین نیازهای متکثر مردم وحدت ایجاد کرده و همچنین بر اساس اولویت‌ها به همه نیازهای آنان پاسخ داد در غیر این صورت یعنی در صورت پذیرش یکی از دیدگاه‌های حداکثر و حداقل گرا مدیریت شهری

کارآمدی لازم را برای افزایش مشارکت شهروندی از دست می‌دهد. نیازهای جدید وظایف جدیدی را برای مدیریت شهری به شرح زیر ایجاد کرده است:

«توسعه پایدار»؛ بر این اساس باید نگرش درون سازمانی مدیریت شهری به سازمان‌های جانبی و فعالیت‌های آن‌ها تعمیم داده شود و شهرداری‌ها نهادی مستقل و جدا از دیگر سازمان‌ها که بعضاً برای حفظ منافع درون سازمانی به تقابل با آن‌ها برمی‌خیزد دیده نشوند و بدین لحاظ باید با مفاهیم کلی و فنی و جاری تمامی دستگاه‌های خدماتی که به شهروندان سرویس می‌دهند آشنایی حاصل کند. چنین دستگاه‌هایی نظیر آب و فاضلاب، برق، مخابرات و گاز تماس متقابل کمتری، با یکدیگر دارند لذا مدیریت شهری می‌تواند هماهنگ کننده و جهت دهنده مناسبی برای این سازمان‌ها باشد.

«بهره‌وری»؛ برخلاف آنچه تصور می‌شود در اجرای یک طرح لوله‌گذاری در خیابان‌های اصلی شهر هزینه‌های واقعی فراتر از قیمت کالا و دستمزد پرداخت شده است در این مثال زمان اجرا بسیار اهمیت دارد. از دیدگاه بهره‌وری آثار تبعی مدت زمان مسدود بودن یک خیابان، شامل اختلال در زندگی، برهم زدن آسایش و تأثیر منفی در تردد و ترافیک است. آسیب‌های وارد آمده بر تأسیسات سازمان‌های دیگر نظیر آسفالت، برق، مخابرات و اختلالات ناشی از آن و نیز عدم استفاده برای فعالیت هم‌زمان واحدهای خدماتی دیگر از فرصت به وجود آمده برای اجرا و یا تعمیر و رفع معایب در محدوده خیابان موردنظر در زمره هزینه‌های پوشیده و نادیده قرار می‌گیرد.

«ارتقاء شهرنشینی»؛ افزایش و ارتقاء بالفعل فرهنگی و اجتماعی شهر بر اساس زندگی فعال و پرثمر در شهرها علاوه بر اینکه موجب بالا رفتن توان اقتصادی آن خواهد شد می‌تواند باعث حفظ و نگهداری سرمایه‌های مردمی و بومی هر شهر و جلوگیری از سرازیر شدن آن‌ها به شهرهای بزرگ‌تر شود. چنین عملی هم در گسترش شهرهای کوچک‌تر تأثیر مثبت می‌گذارد و هم از اختلال در نظم شهرهای بزرگ جلوگیری می‌کند ایجاد و فعال کردن فرهنگسراها و کانون‌های فرهنگی به‌منظور تبادل اندیشه‌ها در زمره چنین اقداماتی می‌باشد. این امر باید مورد توجه شهرهای متوسط و کوچک نیز قرار گیرد. چنین مراکزی الزاماً نباید پرخرج و تقلیدی باشد، بلکه جلوه‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی خاص هر شهری می‌تواند زمینه‌های مساعد و مناسبی برای برنامه‌ریزی‌ها و ایجاد تحرک در بخش‌های مختلف این کانون‌ها و در نتیجه جذب قشرهای مردمی باشد. چنین مکان‌هایی علی‌الخصوص

در جهت فراهم کردن امکان تخلیه روانی شهروندانی که در مناطق پرتراکم و محله‌های پرجمعیت سکونت دارند مهم است. دیدگاه‌های نورشد سریع شهرها و تمرکز جمعیت کشورها در آن‌ها دیدگاه‌هایی نو و درعین حال غیرمتداول را برای حل مشکلات و پاسخگویی به نیازهای جدید شهروندان می‌طلبد به‌عنوان مثال عامل اصلی آلودگی محیط‌زیست متوجه جمعیت و افزایش آن می‌باشد و همچنین تحرک و جابه‌جایی ناگزیر شهروندان و گسترش دامنه فعالیت‌هایشان و نیز وسایل متعددی که برای ایجاد خسارت به محیط در اختیار دارند نیز دخیل است. نحوه برخورد متقابل مردم و سازمان‌های دیگر هر چند ظاهراً هیچ ارتباطی به حوزه خدمات شهری ندارد و یا ارتباط کمی دارد ولی اصلاح چنین برخوردها و شیوه‌های پاسخگویی به نیازهای اداری ارباب‌رجوع تأثیر به‌سزایی در کاهش هزینه‌های شهری دارد. برپایی مراکز خدمات دولتی در شهرها می‌تواند بسیاری از رفت‌وآمدهای درون‌شهری را حذف کند کاهش تردد نه تنها باعث تقلیل هزینه خدمات شهری و کاهش استهلاک سرمایه‌ها می‌شود بلکه برخوردهای غیر فیزیکی و روانی مردم و اصطکاک میان آن‌ها را نیز تقلیل می‌دهد.

«مشارکت‌های مردمی»، راه‌حل نهایی برای حل مشکلات فعلی و آینده شهرها مشارکت فعال نیروی مردمی راه‌حل نهایی است که متأسفانه این نیرو دست‌نخورده و این‌گونه مشارکت‌ها غیرفعال باقی‌مانده‌اند، تجربه نشان داده که به‌کارگیری استعدادهای مردمی موجب بروز ابتکارها و خلاقیت‌ها می‌شوند که در شرایط عادی تصور نمی‌شود. برای استفاده از این امکانات بالقوه- استعدادهای مردمی- سپردن کارهای اجرایی و عملی به شهروندان ضرورت دارد لذا: الف) اگر تلاش‌هایی برای تعمیق دیدگاه‌های محلی و کمک به آن‌ها در جهت دستیابی درست به مشکلات و راه‌حل‌های آن‌ها از سوی حکومت‌ها صورت گیرد آنگاه نیازها و خواسته‌های محلی به‌صورت واقعی و به درستی به مرکز انتقال یافته و حکومت مرکزی نیز می‌تواند استراتژی دقیق‌تری برای توسعه شهرها برگزیده و ابلاغ نماید. ب) با ابلاغ استراتژی و سیاست‌های واقعی تنظیم شده و بر اساس خواسته‌های موجود و تقویت تصمیم‌گیری محلی اولاً توسعه و ارائه خدمات بهداشتی، آب سالم، جمع‌آوری فاضلاب، آسفالت و نظایر آن‌ها با هزینه کمتر قابل تأمین خواهد بود و ثانیاً به دلیل مشارکت‌های مستقیم شهروندان در توسعه خدمات زیربنایی و روبنایی شهر و تمایل به حفظ سرمایه‌هایی که خود ایجاد کرده‌اند یا در برپایی آن‌ها سهمیم بوده‌اند، بهره‌برداری از تأسیسات نیز

به صورت بهینه و با هزینه کمتر صورت خواهد گرفت و خدمات پایدارتر و با دوام تر عرضه خواهد شد. ج) تغییر نگرش و حرکت به سمت زدودن تصمیم‌گیری‌های متمرکز به هیچ عنوان نشان‌دهنده کاهش اعمال قدرت حکومت نمی‌باشد بلکه در این حالت فعال تر و پویاتر در نظر گرفته می‌شود. در حقیقت با ارجاع مشکلات شهرها به شهروندان و کمک‌گیری از آن‌ها برای حل مشکلات، دولت با حفظ حاکمیت اعمال تصدی را به مردم واگذار می‌کند و خود از مقابل مردم به کنار آن‌ها منتقل می‌شود. در چنین حالتی دولت به جای اینکه مورد بازخواست قرار گیرد و پاسخگو باشد- آن‌چنان که اکنون وجود دارد- خود بخش‌های مختلف را مورد بازخواست قرار می‌دهد و پاسخ می‌طلبد. در پایان شایان ذکر است یکی از مشخصه‌های ویژه مقطع کنونی کشور ما عدم رضایت هر دو طرف سیستم‌های خدماتی یعنی دستگاه‌های دولتی و مردم است که اولی از امکانات و فقدان بودجه کافی برای ارائه خدمات ناخرسند است و دومی از گران بودن خدمات و بعضاً کیفیت پایین آن ناراضی‌اند. بی‌شک استفاده از نیروی مردمی باعث رفع چنین توهماتی و ایجاد حس اطمینان و اعتماد متقابل می‌شود که از ثمرات آن هر دو طرف برخوردار خواهند شد.

درگیری شهروندان با فعالیت‌های کارآفرینی سبب ظرفیت‌سازی برای خدمت‌رسانی به شهر خواهد شد. با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی که تمام اهتمام دولت و نظام را در عرصه اقتصادی به خود معطوف داشته است، واگذار کردن امور به بخش خصوصی از جمله اصل‌هایی است که باید در مدیریت شهری رعایت شود؛ اما عدم وجود شرکت‌های خصوصی فعال در زمینه خدمات سنگین شهری، یک طرف این معادله را دچار نقص می‌کند و سبب عدم اجرای این اصل می‌شود. برای اینکه واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی صورت پذیرد، وجود یک بخش خصوصی متخصص و قابل اعتماد ضروری است، وگرنه سپردن وظایف مدیریت شهری به شرکت‌هایی که از دانش و توان کافی برای اداره امور برخوردار نباشند، نه تنها هدف از خصوصی‌سازی را محقق نمی‌کند، بلکه ناکارایی‌ها و بحران‌های زیادی را در عرصه مدیریت کلان‌شهر ایجاد می‌کند. همچنین وجود شرکت‌های توانمند در زمینه عرضه خدمات شهری، سبب سبک شدن حجم وظایف اجرایی مدیریت شهری می‌شود و در بسیاری از خدمات کمتر تخصصی، نقش نظارتی و جلوگیری از انحرافات را ایفا می‌کند و اجازه می‌دهد انرژی و منابع صرف بخش‌های مهم و تخصصی‌تر شود؛ بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر در گسترش و توسعه کارآفرینی، می‌تواند به مدیریت شهری در فراهم

ساختن بسترهای ممکن، کمک کند تا هم شهروندان و هم مدیریت شهری از این توسعه بهره ببرند.

۴- جایگاه «حقوق شهروندی» در مدیریت شهری امروز تهران

شهرداری تهران کوشیده است تا با ایجاد فضایی مستعد برای پذیرش نظرات شهروندان و قبول انتقادات سازنده آنان، روشی گفتگویی را در مدیریت شهری ایران، برای نخستین بار، ایجاد کند. هر چند این تجربه در ابتدای راه است و همچنان با افت و خیزهایی مواجه است، ولی به نظر می‌رسد که بتوان آن را در سطح الگویی مناسب برای مدیریت شهری و دیگر انواع مدیریت کلان در کشور مطرح کرد.

انقلاب اسلامی از آغاز، انقلابی برای احقاق حقوق ملت در تمامی ابعاد آن بود. حقوق شهروندی نیز، به‌عنوان یکی از ارکان مهم این حقوق، از همان ابتدا، در قالب شعارها، آموزه‌ها و جهت‌گیری‌های نهضت خود را نشان داد. با این حال، پیشرو بودن انقلاب ما در طرح حقوق شهروندی به این مسئله محدود نمی‌شد، بلکه نگاه ویژه آن به حقوق شهروندی نیز نشان‌دهنده رویکردی جدید و تاریخ‌ساز بود. در واقع، انقلاب اسلامی ایران این مفهوم را ارتقا داد و آن را کاملاً متأثر و متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی ما به جلو برد. تا پیش از این، هنگامی که فراوردهایی از فرهنگ‌های بیگانه به کشورهای اسلامی راه می‌یافت، شکافی بزرگ میان سنت آن کشورها و مباحث جدید پیش می‌آمد. هنر بزرگ انقلاب اسلامی در طرح مفهوم حقوق شهروندی آن بود که نشان داد این مفهوم از دل آموزه‌های اسلامی ما برمی‌خیزد و بخشی از سنت و میراث اندیشه‌ای و فرهنگی ما ایرانیان مسلمان است. بی‌گمان، امام خمینی را باید قهرمان اصلی این اندیشه پیشروانه در اسلام و حقوق شهروندی دانست. فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرایی نشان‌دهنده اهتمام حضرت امام به حقوق شهروندی از همان آغاز انقلاب اسلامی است (فرمان هشت‌ماده‌ای امام ۱۳۶۱/۹/۲۴)

مطالعه این سند مهم از زاویه حقوق شهروندی بسیار آموزنده و درخور تأمل ویژه برای همه کارگزاران نظام است. در زیر، به برخی از این نکات اشاره می‌کنیم:

صیانت از حقوق مردم به‌عنوان وظیفه اصلی انقلاب اسلامی؛ بی‌طرفی مسئولان امر در مناصب مختلف، به‌ویژه مناصب قضایی؛ تدوین قوانین برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق مردم؛ تعمیم رعایت اجرای عدالت به همه نهادها و ارگان‌ها، مراعات اخلاق اسلامی در

ارتباط با مردم، قانون‌گرایی صریح و تخطی نکردن از آن؛ احترام به مالکیت خصوصی شهروندان و رعایت حریم‌های خصوصی مردم و شهروندان؛ تلاش برای ایجاد احساس آرامش و امنیت در میان مردم.

همین رویکرد به حقوق شهروندی را در اندیشه‌های رهبر فرزانه انقلاب نیز می‌توان به خوبی مشاهده کرد. تأکید ایشان بر حقوق شهروندی تا آنجاست که مراعات حقوق شهروندی را وظیفه اصلی حاکم اسلامی می‌دانند:

«نقطه محوری مسئولیت هم رعایت حدود و حقوق مردم، رعایت عدالت در میان مردم، رعایت انصاف در قضایای مردم و تلاش برای تأمین امور مردم است. برای حاکم اسلامی، حوائج و نیازهای مردم اصل است». (سخنرانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۷۹/۹/۲۵)

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی به پیوستگی میان آزادی و حقوق شهروندی با مفاهیم دینی تأکید دارند:

«ما به آزادی معتقدیم. اعتقاد ما به آزادی و تأمین حقوق شهروندی در مسائل اجتماعی هم ریشه‌دار و دارای مبنای دینی است». (سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۵/۱۵)

مدیریت شهری تهران نیز در دوران مدیریت فعلی آن، به تأسی از این رویکرد بزرگ انقلاب اسلامی پیش‌تاز استیفای حقوق شهروندان در عرصه مدیریتی جامعه بوده است. موارد زیر را می‌توان بخشی از مصادیق این رویکرد اصولی دانست:

الف) اتخاذ رویکرد شهروندمداری و ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مسئولان شهری: شهرداری تهران کوشیده است تا با ایجاد فضایی مستعد برای پذیرش نظرات شهروندان و قبول انتقادات سازنده آنان، روشی گفتگویی را در مدیریت شهری ایران، برای نخستین بار، ایجاد کند. هرچند این تجربه در ابتدای راه است و همچنان با افت‌وخیزهایی مواجه است، ولی به نظر می‌رسد که بتوان آن را در سطح الگویی مناسب برای مدیریت شهری و دیگر انواع مدیریت کلان در کشور مطرح کرد.

ب) آموزش حقوق شهروندی و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش: متأسفانه در کشور ما شهرنشینی و شهروندی از یکدیگر تفکیک نشده است و صرفاً حضور فیزیکی در شهر (= شهرنشینی) به معنای حضور معنوی در آن (= شهروندی) قلمداد می‌شود. این در

حالی است که نگاهی به تجربه دیگر کشورهای پیشرو در تأمین حقوق شهروندی نشان می‌دهد که دستیابی به سطح شهروندی، پیچیدگی‌ها و الزامات منطقی خاصی دارد. بی‌گمان، فقط هنگامی می‌توان به این سطح مهم از رشد اجتماعی دست یافت که شهروندان آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده باشند. طبعاً، چنین آموزش‌هایی شهروندان را نه فقط به تکالیف خود، بلکه به حقوق خود نیز آگاه می‌کند. متأسفانه در خلأ آموزش‌هایی از این دست، مدیران شهروندی را عمل به تکالیف شهری و شهروندان پذیرش شهروندی را گردن نهادن بی‌چون و چرا بر قدرت مدیران شهری تعبیر کرده‌اند که هر دو رویکرد کاملاً نادرست است. ناگفته پیداست که در چنین اوضاعی، پیگیری حقوق شهروندی به صورت متقابل، مدیران را نیز فعال‌تر و پویاتر و آنان را در عمل به وظایف خود جدی‌تر خواهد کرد.

ج) اصلاح نظام اداری: از جمله محورهای مهم مراعات حقوق شهروندی تکریم ارباب رجوع و قرار دادن او ذیل حمایت‌ها و امکانات قانونی است. متأسفانه بوروکراسی ایرانی از ابتدا، به گونه‌ای نادرست بنیان نهاده شد و آغاز به کار کرد. هم‌اکنون، این بوروکراسی سنگین و ناتوان به‌مثابه عاملی بازدارنده در مقابل تلاش‌های پیشروی عمل می‌کند؛ تلاش‌هایی که پویا و نظام‌مند کردن مدیریت را در نظر دارد. به نظر می‌رسد که از روبرو شدن با این بوروکراسی نادرست گریزی نیست. شهرداری تهران طی سال‌های اخیر کوشیده است تا با خانه‌تکانی و بازبینی همه مأموریت‌ها و رویکردهای به‌جای مانده در مخزن بوروکراتیک خود، راهی به سمت اصلاح این وضعیت بیابد. از جمله سرمایه‌های مهم و جاودان مردم وقت آنان است. اصلاح بوروکراسی سالخورده و فرسوده اداری، تعهد به زمان‌بندی طرح‌ها و در نهایت، ایجاد تسهیلات لازم برای شهر الکترونیک می‌تواند گامی در راه تکریم حقوق شهروندی و تقویت آن باشد.

د) وظیفه، تکلیف و تعهد آگاهانه مدیریت شهری: آگاهی مدیران شهری از جایگاه و وظیفه خود و نیز پاسخ‌گویی به شهروندان در قبال اعمال خویش را می‌توان بعد مکمل حقوق شهروندی دانست. مدیریت شهری تهران خود را از نظر اخلاقی و قانونی متعهد می‌داند که تمام توان و نیروی خود را برای ایفای وظایف محوله از سوی شهروندان به کار بندد و بر سر راه خدمت‌رسانی صادقانه خود به مردم، از هیچ مانع و اشکال‌تراشی نهراسد و

هیچ عذر و بهانه‌ای را نپذیرد و نیز در همه حال، خود را به پاسخ‌گویی و حساب‌دهی به افکار عمومی مکلف بداند.

۵- بستر موردنیاز برای کارآفرینی در مقیاس شهری

جامعه بدون کمک حکومت در جهت فراهم کردن خدمات ضروری و امنیت، نمی‌تواند به اهدافش دست بیابد. حکومت نیز بدون انرژی و تعهد دیگران (سازمان‌های داوطلب، سازمان‌های خصوصی و...) نمی‌تواند به اهدافش دست یابد. کارآفرینی سبب ایجاد چهار نوع سرمایه می‌شود: سرمایه مالی، سرمایه اجتماعی، سرمایه هنری و سرمایه محیطی. سرمایه مالی، ایجاد ثروت را نشان می‌دهد که نتیجه یک کسب‌وکار انتفاعی است. سرمایه اجتماعی منابع جامعه را نشان می‌دهد که نوعاً نتیجه کارآفرینی اجتماعی است. سرمایه هنری، چیزهای ناملموس‌تری را نشان می‌دهد؛ که زندگی انسان‌ها را پر نشاط می‌کند و احساس رضایت ایجاد می‌کند. سرمایه محیطی نیز، با پایداری منابع طبیعی، سروکار دارد. توجه به این چهار نوع سرمایه که به‌طور مستقیم به درون جامعه و بستر زندگی شهروندان وارد می‌شود، به مدیریت شهری راهکاری برای مبارزه با بسیاری از معضلات و ناکارایی‌های شهری را می‌دهد. (مقیم ۱۳۸۳)

با توجه به پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته، عوامل زمینه‌ای مرتبط با کارآفرینی در مدیریت شهری را به شرح زیر شناسایی می‌کند: (۱) شخص کارآفرین (۲) زیربنای فیزیکی و فرهنگی شهری و منطقه‌ای که تحت اختیار مستقیم مدیریت شهری است (۳) زیربنای فیزیکی و اقتصادی و سیاسی ملی که از طرف دولت بر آن‌ها مدیریت صورت می‌گیرد. در این دیدگاه، مدیریت شهری برای پرورش کارآفرینی در بستر شهر با هریک از این سه عامل باید تعامل لازم و خاص را برقرار کند.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتیجه رعایت حقوق شهروندی، تحقق آرامش و آسایش حال و آینده جامعه است. ویژگی مهم حقوق شهروندی این است که شهروندان به شکل عادلانه و برابر حقوق، خود را عضو جامعه بدانند و در رخ دادن هر اتفاقی واکنش نشان دهند. آن‌ها با دانستن حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی‌شان به رخدادهای پیرامون بی‌تفاوت نخواهند بود و در تعامل متقابل

حقوق شهروندی و وظایف شهروندی، جامعه در نهایت به سمت همگرایی و همبستگی اجتماعی هدایت می‌گردد.

با عنایت به موارد فوق و نیز با لحاظ شناخت اکثر قریب به اتفاق شهروندان از وظایف و اختیارات مدیریت شهری، بدیهی است آنچه به‌عنوان ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها و ماده ۷۱ قانون شوراهای اسلامی کشور، وظیفه شهرداری و شورای اسلامی شهر شمرده می‌شود در حقیقت به‌نوعی ناظر بر وظایف و تعهدات مدیریت شهری در تحقق حقوق شهروندی می‌باشد. شهروندان به‌طور پیوسته عملکرد شهرداری‌ها را ارزیابی می‌نمایند. در صورتی که شهرداری‌ها کلیه حقوق شهروندی را رعایت نمایند و ارزیابی شهروندان مثبت باشد، اعتبار مدیریت شهری افزایش می‌یابد و در صورت عدم رعایت حقوق و وظایف شهروندی و عدم توجه به مفهوم شهروندی، شهروندان انتظاراتی خارج از حیطه وظایف شهرداری‌ها خواهند داشت و یا اینکه شاهد از میان رفتن حقوق مسلم شهروندان و یا بروز ناراضی‌های اجتماعی به انحاء مختلف خواهیم بود.

به‌عنوان نمونه به شرح ذیل موارد کاری پیشنهادی که می‌تواند در اغلب جوامع انسانی مورد توجه و اجرا مدیریت شهری در زمینه تبیین، ارتقاء و نهادینه‌سازی ((فرهنگ و حقوق شهروندی)) شود ارائه می‌گردد: اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت ترویج مفاهیم و پیام‌های فرهنگ و حقوق شهروندی برگرفته از کلام‌الله مجید و سیره‌ی ائمه معصومین علیه‌السلام، تلاش جدی مدیریت شهری برای شناسایی نیازها، مشکلات و مسائل شهروندان و مبتنی بر آن، تهیه، تدوین و تصویب چشم‌انداز و برنامه کاری و اولویت‌بندی اجرای برنامه‌های کاری کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مدون و مصوب جهت فعالیت هدفمند و منتج به نتایج ملموس و محسوس برای حل مشکلات و ارائه خدمات مطلوب و به‌موقع به شهروندان، فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت شهروندان در اداره امور محلی از طریق احیای محلات و محله محوری و اهتمام در ایجاد حس تعلق خاطر و احساس شهروندی بین تمامی شهروندان با لحاظ تنوع فرهنگ‌ها و قومیت‌ها با رویکرد افزایش انسجام، کنترل، مسئولیت‌پذیری، همدلی و همیاری اجتماعی شهروندان، با یادآوری این موضوع که در سالی که مقام معظم رهبری آن را مزین به «سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» فرموده و در باب اهمیت آن فرموده‌اند: فرهنگ یک امر مهم و اقتصاد یک امر مهم است و نظر بر این‌که اکنون مهم‌ترین مسائل شهری ما مسائل فرهنگی

و اجتماعی‌اند، الزام است که مدیریت محلی است آن با عزم جدی و مدیریت جهادی نسبت به ارتقای کمی و کیفی عملکرد برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی خود اهتمام نموده و با تقویت کارکرد اجتماعی و فرهنگی مدیریت شهری از طریق اقدام ساختاری و اصلاح ساختار تشکیلاتی شهرداری‌ها و تقویت بخش اجتماعی و فرهنگی شهرداری‌ها و با توجه به نیازهای متنوع و جدید جوامع شهری و جهت ارتقای کیفیت زندگی و مشارکت مردم در توسعه شهری، شهرداری‌ها دیگر نه تنها به عنوان یک نهاد خدماتی بلکه در رویکردی فراتر به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی به مسائل شهرها توجه نمایند. لذا لازم است شهرداری‌ها از رویکرد کالبدی و سخت‌افزاری به رویکرد فرهنگی و اجتماعی تغییر رویه داده و به همین منظور، شوراهای اسلامی شهر همان‌گونه که سند چشم‌انداز و برنامه عمرانی ۵ ساله برای شهرداری‌ها تنظیم و تصویب می‌کنند، در خصوص مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز بایستی سند چشم‌انداز و برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تعریف و تکلیف بنمایند، برای رسیدن به توسعه پایدار؛ شوراهای اسلامی می‌بایستی ساعی، متعهد و مقید بر این باشند که در مرحله تصویب، نظارت و اجرای بودجه مدیریت محلی، مدیران محلی را ملزم به تهیه و تدوین پیوست‌های اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، انتظامی، قضایی، زیست‌محیطی، میراث فرهنگی، بهداشتی و ... در انجام پروژه‌های عمرانی بنمایند (مقام معظم رهبری تأکید ویژه‌ای به مسئولان شهری در لحاظ پیوست فرهنگی و هنری در پروژه‌های تعریف شده فرموده‌اند) و بپذیریم انجام پروژه‌های عمرانی بدون پیوست‌های مذکور، اقدامی عبث و حتی برخلاف منافع و مصالح عمومی و ملی تلقی می‌گردد، اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت ارائه آموزش‌های زیربنایی شهروندی در حوزه جمع‌آوری و تفکیک زباله از مبدأ، مدیریت پسماند و تولید ثروت از این طلای کثیف، تلاش و جدیت مدیریت شهری جهت ارائه آموزش‌های زیربنایی شهروندی در حوزه ترویج و نهادینه نمودن فرهنگ احترام به محیط‌زیست، کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی و ارتقای سواد زیست‌محیطی شهروندان با هدف ارتقای بهداشت و سلامت اجتماعی شهروندان و حفظ و پاسداشت محیط‌زیست، اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت ترویج فرهنگ آپارتمان‌نشینی با رویکرد ارتقای انسجام، کنترل، آموزش، مسئولیت‌پذیری، همدلی و همیاری اجتماعی شهروندان، مدیریت شهری جهت ارائه آموزش‌های زیربنایی شهروندی در حوزه ترویج فرهنگ سالم‌سازی تردد خودروها و عابران پیاده در سطح معابر و خیابان‌ها و فرهنگ‌سازی رعایت

مقررات راهنمایی و رانندگی (مدیریت ترافیک و فرهنگ شهروندی در حوزه ترافیک) اهتمام و جدیت بیشتری داشته باشد، بسترسازی مناسب و ترویج فرهنگ زندگی پیاده و بدون استفاده از اتومبیل شخصی، جایگزینی دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی به جای استفاده از خودروهای شخصی در ترددهای شهری با رویکرد ساماندهی ترافیک، حفظ محیط‌زیست، شادابی و سلامت شهروندان، بسترسازی مناسب، اصلاح و تقویت ساختار حمل‌ونقل عمومی درون‌شهری به منظور فراهم کردن امکان استفاده سهل و ارزان عموم شهروندان از وسایل حمل‌ونقل عمومی و ترویج فرهنگ استفاده شهروندان از ناوگان حمل‌ونقل عمومی به جای استفاده از خودروهای شخصی در ترددهای شهری با رویکرد ساماندهی ترافیک، حفظ محیط‌زیست، شادابی و سلامت شهروندان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های علمی در سطح محلات و مجتمع‌های ساختمانی با حضور شهروندان و صاحب‌نظران حوزه اجتماعی و فرهنگی با رویکرد آموزش چهره به چهره مفاهیم فرهنگ و حقوق شهروندی، تلاش در جهت ساخت پیاده‌روهای استاندارد برای تردد امن و اختصاصی شهروندان بدون مداخله مخاطره‌آمیز خودرو، دوچرخه و موتورسواران. توجه به عنصر انسان در برنامه‌ریزی شهری پیش‌نیاز تمام رویکردهای مدیریتی است، اهتمام علمی و عملی جدی فرهنگی - اجتماعی مدیریت شهری جهت کاهش زمینه‌های گرایش به سوءمصرف انواع مواد مخدر با رویکرد ارتقای امنیت و سلامت اجتماعی، مناسب‌سازی ساختمان‌ها، پروژه‌ها، محیط و فضاهای شهری برای بهره‌مندی و تردد ایمن، مناسب و آسان سالمندان، جامعه معلولین، جانبازان، روشندان با هدف ارتقای کرامت انسانی، اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت فرهنگ‌سازی اصلاح الگوی مصرف و مدیریت مصرف انرژی: برق، گاز، به‌ویژه آب توسط شهروندان و شهرداری‌ها، گام برداشتن در جهت افزایش سرانه فضاهای مذهبی با نگاه عدالت‌گستر به تمامی محلات و با رویکرد ارتقای هویت مذهبی و اجتماعی و به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی، گام برداشتن در جهت افزایش سرانه پارک‌ها، فضاهای سبز و ورزشی، بازیگاه‌های کودک با نگاه عدالت‌گستر به تمامی محلات و با رویکرد ارتقای سلامت و نشاط اجتماعی و به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی، ساماندهی حاشیه‌نشینی و سکونت‌گاه‌های غیررسمی با رویکرد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و حفظ هویت اصول فنی، بهداشتی و شهرسازی شهرها، ساماندهی و رفع سد معبرها، مزاحمت‌ها، نازیبا نمودن سیما و

منظر عمومی ناشی از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، ساخت‌وساز و ... در سطح شهرها، ساماندهی سیما و منظر شهری با تأکید بر رعایت و اجرای معماری اصیل اسلامی - ایرانی، اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت ریشه‌یابی، مبارزه و برطرف نمودن عوامل ایجابی مؤثر در بروز تکدی‌گری و دست‌فروشی با رویکرد جلوگیری از ایجاد مشاغل کاذب، سوءاستفاده از اعتقادات عمومی و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی مترتب بر موضوع، برقراری تعامل با دستگاه‌های اجرایی و نهادهای مؤثر تخصصی در تولید و ترویج فرهنگ عمومی از جمله آموزش و پرورش، صداوسیما، اصحاب رسانه، کانون وکلا و ... جهت ارائه آموزش‌های عمومی مرتبط با فرهنگ و حقوق شهروندی با رویکرد پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری شهروندان، اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری در برقراری تعامل با دستگاه‌های اجرایی و مراکز دانشگاهی متولی و مروج مباحث فرهنگی، فرهنگ سلامت (تحرک، تغذیه و ...) و امنیت جهت ارائه آموزش‌های عمومی مرتبط با فرهنگ و حقوق شهروندی با رویکرد پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهداشتی و افزایش روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری شهروندان، گسترش و ایجاد مؤلفه‌های اجتماعی سلامت (پارک‌ها، پیاده‌روی، فضای مناسب شهری) با هدف کاهش و پیشگیری بیماری‌هایی از قبیل چاقی، دیابت، سرطان، افسردگی و ... و مناسب و ایمن‌سازی فضاهای عمومی و پارک‌ها برای امکان‌پذیر شدن بهره‌برداری بانوان و کودکان و ... در حوزه سلامت و ورزش جهت کاهش بیماری‌های افسردگی، چاقی و ...، اعتقاد و اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت تقویت عنصر کنترل اجتماعی برای اجتماعی شدن فرایند کنترل و مبارزه با آسیب اجتماعی از طریق تعامل با گروه‌های مرجع، نهادهای مذهبی و سازمان‌های مردم‌نهاد تأثیرگذار جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و ارتباطات سمن‌ها برای ارائه آموزش‌های عمومی مرتبط با محیط‌زیست، فرهنگ و حقوق شهروندی با رویکرد پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی (سرقت، اعتیاد، خشونت، طلاق و ...) و افزایش روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری شهروندان، ساماندهی، هدایت و مدیریت هزینه‌های مراسم مذهبی، ختم اموات، ولیمه و هزینه‌های سفرهای زیارتی و ... به سمت انجام امور خیریه و عام‌المنفعه (ساخت مدرسه، درمانگاه، تهیه جهیزیه، تأمین هزینه‌های درمانی بیماران خاص و صعب‌العلاج، زنان بی‌سرپرست و نان‌آور و سرپرست خانوار، کرامت سالمندان، معلولین، کمک به بی‌بضاعتان، کارآفرینی، تولید و اشتغال و ...) با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد و از

طریق تشکیل نهادهای خیریه، اجتماعی و فرهنگی مربوطه، اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت تقویت و بهبود اجتماع محلی از طریق شهروندسازی و فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای برخوردار شدن شهروندان از حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی شهروندی، تلاش در جهت نهادینه شدن حقوق شهروندی در امر ساخت‌وساز با رعایت قاعده تسلط و لاضرر از طریق نظارت دقیق بر ساخت‌وسازهای ساختمانی، اعتقاد و اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری جهت نظارت بر صیانت از کاربری‌های عمومی و خدماتی شهر، پرهیز از تغییر کاربری اراضی و فروش بی‌رویه و ضابطه تراکم، عدم تغییر کاربری و فروش پارکینگ، نظارت بر اجرا و صیانت از طرح‌های جامع و تفصیلی و مصوبات کمیسیون ماده ۵ در مبحث شهرسازی، نظارت بر ساخت‌وسازهای مجاز و باکیفیت مبتنی بر رعایت اصول سه‌گانه شهرسازی، فنی و بهداشتی و جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز و بدون رعایت ضوابط سه‌گانه مذکور؛ که همگی این موارد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق و مطالبات حقوق شهروندان می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد، ایجاد شهر سالم و خلق «شهروندان فعال و آگاه». «شهر سالم» شهری است که در آن پیوسته شرایط اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی رو به توسعه و بهبود بوده و با استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود، محیطی را فراهم می‌آورد که بر اثر آن مردم ضمن حمایت از یکدیگر و مشارکت گروهی در انجام تمام امور، تلاش می‌کنند که زندگی خود را به سطح مطلوبی برسانند، تشویق شهروندان به مشارکت در تأمین امنیت و نظارت اجتماعی با هدف کاهش و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه کمی و کیفی احداث سرویس‌های بهداشتی عمومی به‌عنوان نیاز ضروری شهروندان با هدف ارتقای سطح بهداشت روانی و عمومی جامعه، معرفی و ترویج الگوسازی رفتار شهروندی با انتخاب شهروند نمونه فرهنگی، عمرانی، بهداشتی و...، تشکیل و فعالیت برنامه محور کمیته فرهنگ و حقوق شهروندی در شهرداری‌ها، اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری در راستای تحقق سیاست‌های کلی اصل اقتصاد مقاومتی و پرهیز از هزینه‌های غیرضروری جاری و مدیریت منابع مالی محدود، گفتمان سازی، احیاء، آموزش و ترویج فرهنگ اسلامی- ایرانی مصرف صحیح فردی، اجتماعی و سازمانی و مبارزه با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، تأکید بر اثربخشی، کارایی و بهره‌وری پروژه‌های عمرانی و عدم تحمیل هزینه‌های اضافی مادی و معنوی بر شهروندان در اجرای پروژه‌های عمرانی و هزینه‌های جاری مدیریت محلی، اهتمام علمی و عملی جدی مدیریت شهری

جهت حفظ هویت و بافت تاریخی شهرها و فراهم نمودن زمینه‌های لازم توسعه گردشگری تاریخی به‌عنوان موتور مولد تولید ثروت و ارزش‌افزوده جوامع محلی و صیانت از نقش انسان‌ها در پیکره شهری و رعایت حرمت عنصر فرهنگی خاطره در زندگی شهری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های پیوند اجتماعی.

در نهایت شهروندان به‌طور پیوسته عملکرد شهرداری‌ها را ارزیابی می‌نمایند. در صورتی که شهرداری‌ها کلیه حقوق شهروندی را رعایت نمایند و ارزیابی شهروندان مثبت باشد، اعتبار مدیریت شهری افزایش می‌یابد.

شوراهای اسلامی شهر همان‌گونه که سند چشم‌انداز و برنامه عمرانی ۵ ساله برای شهرداری‌ها تنظیم و تصویب می‌کنند، در خصوص مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز بایستی سند چشم‌انداز و برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تعریف و تکلیف بنمایند. مدیریت شهری می‌تواند در گام اول با آموزش اصولی میانی کارآفرینی و بیان آن برای شهروندان از راه ابزارهای موجود، نسبت به ایجاد انگیزه کارآفرینی در میان عموم شهروندان نقش مهمی بازی کند. همراه با ایجاد انگیزه کارآفرینی در افراد، باید با کمک به مراکز فنی - حرفه‌ای یا مراکز آموزشی نسبت به ایجاد مهارت‌ها در آن‌ها اقدام شود که همین مهارت‌آموزی در کنار آموزش‌های بنیادین کارآفرینی سبب آمادگی برای راه‌اندازی و مدیریت کسب‌وکار می‌شود. در مرحله آخر کمک به ایجاد شبکه اجتماعی، می‌تواند عامل نهایی مسبب کارآفرینی در شهروندان شود. با ایجاد کسب‌وکار نه تنها نقش مدیریت شهری کم‌رنگ نمی‌شود، بلکه کمک به تداوم آن نیز بر وظایف دیگر افزوده می‌شود. پایدار ساختن دسترسی به شبکه ارتباطی و اجتماعی، تعامل با بدنه کارآفرینی شهر و ایجاد ارتباط با دولت به‌عنوان واسطه میان آن‌ها و دولت و تداوم دسترسی آن‌ها به منابع در اختیار مدیریت شهری در قالب مشارکت‌های اقتصادی می‌تواند به کارآفرینی پایدار منجر شود که مدیریت شهری از یک سو و بدنه جامعه از سوی دیگر از آن سود خواهند برد.

منابع

- بروسکوئن- ۱۳۸۱ درآمدی بر جامعه‌شناسی- ترجمه محسن ثلاثی- نشر توتیا- آذربورن، دیوید وگیبلر، تد (۱۳۸۴)- «اثر روحیه کارآفرینی در متحول ساختن بخش دولتی»، مترجم فضل‌ا...امینی، نشر فرا
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)- «تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه کاری»، چاپ هشتم، نشرنی
- پاداش حمید، جهانشاهی، بابک و علی صادقین (۱۳۸۶)- «مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی شهری»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹-۲۰
- جمسی، یوسف. قاسمی، محمد و یوسفیان، علی (۱۳۸۴)- «مباحثی در باب نظریه انتخاب عمومی»، مرکز پژوهش‌های مجلس
- دائرة المعارف جامع شهرداری‌ها
- روزنامه اعتماد، شماره ۱۴۸۲
- سیف- حمیدرضا- ۱۳۷۹ جامعه مدنی و راه‌های رسیدن به آن- نشر جوانان موفق
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)- «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۸
- فلاح محمدلو- حسین- ۱۳۹۴ کارشناس مسئول امور شوراهای استانداری قزوین
- قانون برنامه چهارم توسعه
- قانون شهرداری‌ها، ماده ۵۵
- لاله پور، منیژه (۱۳۸۶)- «حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹-۲۰
- لطفی، حیدر، (۱۳۸۸)- مقاله مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقا حقوق شهروندان، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی
- مقاله مدیریت جامع شهری بر مبنای مشارکت مردمی- به صورت تحقیق و پژوهش از آقای علی فیروز بخت کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری

فصلنامه علمی - تخصصی شاخص کارآفرینی / ۱۱۵

- میدری، احمدوخیرواهاان، جعفر (۱۳۸۳) - «حکمرانی خوب، بنیان توسعه» - مرکز پژوهش‌های مجلس
- میلز، ادوین و همیلتون، بروس (۱۳۷۵) - «اقتصاد شهر»، مترجم عبدا... کوثری، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹) - «جهانی شدن»، ترجمه اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی
- هاوالت، مایکل ورامش، ام (۱۳۸۰) - «مطالعه خط‌مشی عمومی»، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- هیوز، اوئن (۱۳۸۷) - «مدیریت دولتی‌نویین»، ترجمه سهراب خلیلی شورینی و غلامرضا معمارزاده تهران، انتشارات مروارید
- Goodwin, W Painter, J (1996) "Local Governance, the Crises of Fordism and the Changing Geographies of Regulation"- Transactions of the Institute of British Geographers, New Series, Vol.21, No 4, pp. 635-648
- "Governance and Sustainable Development", New York, UNDP 1997)
- The Global Campaign for Good Urban Governance – May 2000
- "Sustainable urban development: a regional perspective on good urban governance", United Nations Economic and Social Commission for Western Asia, 2001
- Van dijk, M.P (2006), "managing cities in developing countries, the theory and practice of urban management", Edward Elgar
- <http://www.asriran.com/f>
- <http://azadlo.ir/>
- <http://news.ostan-qz.ir/>
- <http://shahrvandi.blogspot.com/>
- <http://www.tehran.ir>.
- <http://vista.ir/article/>